

Political leadership and the coronavirus crisis; Case study of the United States, India and Germany

Javad Etaat

Corresponding Author, Associate Professor, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. J_etaat@sbu.ac.ir

Asghar Mansourian

PhD Student of Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
A.mansoriyan@gmail.com

Abstract

Following the official announcement of the first cases of the COVID-19 virus in China on late December 2019, it outbreak rapidly to most parts of the world and putting the world in a state of emergency. Different governments have reacted differently to this crisis. It is noteworthy that variables such as the type of political regime, the structure of government and the capacity of governments have not necessarily a direct and decisive relationship with countries' response to this crisis. For example, the number of mortality in developed and democratic countries such as the United States, Spain, Britain and Italy has been much higher than some developing countries. The key question of this paper is that "What is the reason for the different behavior of different countries in the face of the COVID-19 pandemic?" The hypothesis of this article is that "in times of crisis, the most important factor in determining the reaction of countries is political leadership and different ways of sense making." This article judges this hypothesis with using the CIP leadership model and dividing leadership and sense making into charismatic, ideological, and pragmatic, and case studies of India, the United States, and Germany, the authors, while proving and confirming the article hypothesis, have concluded that pragmatic leadership is more effective in recent crisis.

Keywords: *political leadership, COVID-19 pandemic, CIP leadership model, India, United States, Germany*

رهبری سیاسی و بحران کرونا: مطالعه موردی آمریکا، هندوستان و آلمان^۱

جواد اطاعت

نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، J_etaat@sbu.ac.ir
اصغر منصوریان

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، A.mansoriyan@gmail.com

چکیده

پس از اعلام رسمی وجود اولین موارد ابتلا به ویروس کوید-۱۹ در اواخر دسامبر سال ۲۰۱۹ در چین، طولی نکشید که این بیماری به سرعت در اکثر کشورهای جهان شیوع پیدا کرد و جهان را در وضعیتی استثنایی قرار داد. دولت‌های مختلف واکنش‌های گوناگونی به این بحران داده‌اند. نکته قابل توجه این است که متغیرهایی مانند نوع رژیم سیاسی، ساختار حکومت و ظرفیت دولت‌ها نیز لزوماً ارتباط مستقیم و تعیین‌کننده‌ای با نحوه واکنش کشورها به این بحران و پیامدهای آن نداشته است. به‌عنوان مثال تعداد قربانیان ناشی از این بیماری در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا، اسپانیا، بریتانیا و ایتالیا بسیار بالاتر از دیگر کشورهای با ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های محدودتر بوده است. براین اساس، پرسش اصلی ما این است که «علت رفتار متفاوت کشورهای مختلف در مقابل بحران همه‌گیری کرونا چیست؟». فرضیه این مقاله نیز این است که «در زمان بحران، مهم‌ترین عامل در تعیین واکنش و اقدامات کشورها، رهبری سیاسی و شیوه‌های متفاوت معنابخشی اوست». این مقاله با به‌کارگیری «مدل رهبری CIP» و تقسیم شیوه‌های رهبری و معنابخشی به کارزماتیک، ایدئولوژیک و پراگماتیک و با مطالعه موردی تجربه کشورهای هندوستان، ایالات متحده آمریکا و آلمان، ضمن اثبات و تأیید فرضیه مقاله، به این نتیجه رسیده است که نوع رهبری پراگماتیک کارآمدی بیشتری در شرایط بحرانی اخیر داشته است.

واژه‌های کلیدی: رهبری سیاسی، بحران کرونا، مدل رهبری CIP، آلمان، آمریکا، هند

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۸ تاریخ بازبینی: ۹۹/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۳۱

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۷۷-۱۰۲

مقدمه

اولین موارد رسمی وجود ویروس کوید-۱۹ در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ در ووهان چین اعلام شد و با سرعتی که نمونه آن فقط در فیلم‌ها و رمان‌ها مشاهده می‌شد به اقصی نقاط عالم گسترش یافت. قدرت شیوع بالای این ویروس و ناشناختگی آن، جهان را در وضعیتی استثنایی قرار داده است. این وضعیت مطابق با کلاسیک‌ترین شاخص‌های بیان شده برای یک بحران است. بر اساس تعریف، بحران به وضعیتی نامطلوب و غیرمنتظره اشاره می‌کند که طی آن اتفاقی ناگوار برای فرد، گروه، سازمان، جامعه یا به‌طور کلی جهان رخ می‌دهد. در اثر بحران ارزش‌های اصلی و مشترک (رفاه، عدالت و سلامتی و امنیت) تضعیف و بی‌معنا می‌شوند یا سیستم‌های حفظ حیات یک جامعه در معرض تهدید قرار می‌گیرند؛ بنابراین فوراً باید کاری انجام شود که اطمینان حاصل گردد این تهدید محقق نمی‌شود یا تحت کنترل درمی‌آید. فشردگی زمان، ابهام و عدم اطمینان به‌عنوان ویژگی‌های مهم وضعیت بحرانی موجب می‌شود که روال عادی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و عواملی که به‌طور معمول در این زمینه تأثیرگذارند، ناکارآمد گردند (Boin et al, 2005: 4-7).

با وجود اینکه مشکل برای همه یکسان بوده، کشورها در مقابله با این بحران رفتارها و واکنش‌های متفاوتی از خود بروز داده‌اند. در کشورهایی مانند آمریکا و برزیل دولت‌های مستقر روی خوش به اقداماتی مانند قرنطینه‌سازی نشان ندادند و تمام تلاش خود را برای عادی‌سازی و مقاومت در برابر تعطیلی کشور به‌کار بستند. کشورهایی مانند اسپانیا و ایتالیا و بریتانیا به‌رغم اینکه در نهایت سیاست‌های

سفت‌وسخت‌تری اتخاذ کردند، در مراحل نخستین، اقدامات متناسبی از خود نشان دادند و آمار مرگ‌ومیر در این کشورها بالا رفت؛ اما در کشورهایمانند آلمان، کره جنوبی، نیوزلند، سنگاپور و تایوان، دولت‌ها با اقدامات سریع و قاطع توانستند از شیوع گسترده بیماری در کشورهاشان جلوگیری کنند.

به‌رغم اهمیت مؤلفه‌هایی مانند نوع رژیم سیاسی، ساختار حکومت و ظرفیت دولت، مشاهده عملکرد کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این متغیرها لزوماً تعیین‌کننده نوع واکنش کشورها در این زمینه نیست. برای مثال، بررسی اقدامات دولت‌های با درآمد و ظرفیت پایین یا متوسط مانند مغولستان، مونتنگرو و ویتنام نشان می‌دهد که این کشورها واکنش‌های بهداشتی بهتری نسبت به کشورهای با درآمد بالاتر نشان داده‌اند؛ بنابراین بالا بودن ظرفیت دولتی لزوماً به معنی استفاده مناسب از آن نیست، همان‌طور که تجربه بریتانیا، آمریکا و ... تأیید کننده این قضیه است (Greer, 2020: 3). همچنین یک نگاه کلی به وضعیت کشورها گویای این واقعیت است که صرف دموکراتیک یا اقتدارگرا بودن نیز نمی‌تواند ارتباط مستقیمی با عملکرد موفق یا شکست کشورها در این زمینه داشته باشد. به‌عنوان مثال آمریکا و برزیل از کشورهای دموکرات محسوب می‌شوند ولی در زمینه مهار این بیماری موفق نبوده‌اند. از طرف دیگر حکومت‌های اقتدارگرایی مانند چین به هر شکل به مقابله با این بحران برآمده‌اند، اما دیگر اقتدارگرایی مانند بلاروس و کره شمالی به‌طور کامل منکر وجود این بیماری در کشورهای خود هستند تا چه رسد به اینکه بخواهند به مقابله با آن پردازند.

بنابراین سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که دلیل اصلی این رفتارهای متفاوت در مقابل یک بحران مشابه چیست. به‌عبارت دیگر به چه دلیلی برخی دولت‌ها از موضع ختثای مدیریت بحران با این وضعیت روبه‌رو شده و میدان را در اختیار متخصصان مرتبط با این حوزه قرار داده‌اند؛ یا اینکه چرا بعضی دیگر از دولت‌ها بر اساس تعریف خود از بحران و مصلحت‌سنجی سیاسی با آن برخورد کردند و در برخی موارد سعی در انکار شدت این بحران داشتند. این

پژوهش با بهره‌گیری از مدل رهبری CIP^۱ درصدد است نشان دهد که «با توجه به مسئولی شدن شرایط بحرانی، نوع رهبری سیاسی و در واقع نحوه معنابخشی^۲ رهبران، متغیر اصلی و تعیین کننده نهایی نوع برخورد و واکنشی است که دولت‌ها در این باره از خود نشان داده‌اند».

برای این منظور در ادامه، نخست چهارچوب مفهومی مورد استفاده در این پژوهش را بیان خواهیم کرد. پس از آن بر اساس شاخص‌های به‌دست آمده از این چهارچوب به بررسی تجربه کشورهای هندوستان، ایالات متحده آمریکا و آلمان خواهیم پرداخت و تلاش می‌شود تا بین نوع واکنش و اقدامات این کشورها در مقابل این بحران و نوع رهبری و نحوه معنابخشی آنها ارتباطی که در فرضیه مقاله به آن اشاره شده است را نشان دهیم. در پایان نیز نتیجه بیان خواهد شد.

۱. چهارچوب مفهومی: مدل رهبری CIP

به گفته «جوزف نای» مطالعات رهبری سیاسی در طول چند دهه گذشته چندین موج را پشت سر گذاشته است. رویکرد «خصلت‌محور»^۳ از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰، پس از آن رویکرد «سبکی»^۴ در دهه ۶۰ و رویکرد «اقتضایی»^۵ تا دهه ۱۹۸۰ و از این دهه تاکنون رویکرد کاریزماتیک اصلی‌ترین رویکرد در مطالعات این حوزه محسوب می‌شود (Nye, 2008: 22). به‌رغم به‌کارگیری گسترده رویکرد نظری رهبری کاریزماتیک، انتقادهایی جدی نیز بر آن وارد است؛ مانند اینکه در سازمانهای غیر بوروکراتیک بیشتر از بوروکراتیک جواب می‌دهد، در گروه‌های مانند متخصصان تحقیق و توسعه بی‌اثر است و اینکه به نظر می‌رسد برخی از عملکردهای اصلی رهبری مانند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را دست‌کم یا نادیده می‌گیرد (Mumford et al, 2008: 145). مهم‌ترین انتقاد نیز این است که این رویکرد مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اقدامات را به‌عنوان شرط موفقیت رهبران بیان می‌کند،

-
1. the charismatic, ideological, and pragmatic (CIP) model
 2. sense-making activities
 3. trait-centered
 4. style
 5. contingency

اما به مکانیسم اصلی شکل دهنده به این خصلت‌ها، یعنی فرایند شناختی رهبر، نمی‌پردازد؛ بنابراین چشم‌اندازی ناقص از روند رهبری ارائه می‌دهد (Knippenberg & Sitkin, 2013). به‌طور مشخص در شرایطی که در اثر بحران و تغییر و آشفتگی، رفتار سیستم‌های پیچیده اجتماعی غیر قابل پیش‌بینی شده و اقدامات لازم برای پاسخگویی مؤثر به این تهدیدها و فرصت‌ها نیز مبهم یا نامشخص می‌گردد، فعالیت معنابخشی رهبران است که می‌تواند باعث ایجاد احساس کنترل شود، چهارچوبی برای اقدام جمعی فراهم کند، حس تهدید را کاهش دهد، فرصت‌ها را روشن کند و احساس ناهنجاری و پراکندگی هویتی مرتبط با تغییر را به حداقل رساند (Mumford, 2006).

از طریق فرایند معنابخشی، رهبر، تعاریفی از وضع موجود و آینده مطلوب در اختیار پیروان قرار می‌دهد. برای معنابخشی نخست، مدل‌های توصیفی^۱ بر اساس برداشت‌های رهبر از سیستم اجتماعی موجود شکل می‌گیرد؛ پس از آن رهبران با استفاده از تخصص و تأمل در تجربه شخصی، بایست این مدل‌های ذهنی توصیفی را به مدل‌های ذهنی تجویزی^۲ تبدیل نمایند که بیانگر تصویری از سیستم اجتماعی مطلوب است. این مدل‌های ذهنی تجویزی با پیروان به اشتراک گذاشته می‌شود تا به آنها کمک کند تا بتوانند به بحران یک واکنش جمعی نشان دهند؛ بنابراین رهبران از نظر ظرفیتشان برای ساخت و بیان مدل‌های مناسب جهت کمک به پیروانشان برای درک شرایط پیچیده متمایز هستند (Hunter & Lovelace, 2020). معنابخشی و معنادهی رهبران نقش بسیار مهمی در موفقیت رهبر در هدایت پیروان و افزایش کارآمدی رهبران دارد (Maitlis & Lawrence, 2014)؛ بنابراین معنابخشی فرایندی است که طی آن رهبران تلاش می‌کنند تا کوهی از داده‌های خام (گزارش‌ها، شایعات و تصاویر) را به یک تصویر منسجم از وضعیت موجود تبدیل کنند. رهبران و سیاست‌گذاران باید سیگنال‌های مبهم و متناقض را معنی‌دار و قابل درک کنند و در یک گزارش دقیق، واضح و علمی به عموم مردم ارائه دهند

-
1. descriptive mental models
 2. prescriptive mental models

تا بتوانند بحران را درک کنند و به یک واکنش جمعی بپردازند. براین اساس رهبران با ارزیابی از دلایل و نشانه‌های بحران به یک حس و برداشتی از وضعیت رسیده و بر اساس آن گزینه‌های سیاست‌گذاری استراتژیک را انتخاب کرده و تلاش می‌کنند که پذیرش دیگران برای تعریف خود از شرایط را نیز به دست آورند و معنای خود را به بحران تحمیل کنند.

براساس این مفهوم است که «مومفورد» و همکارانش مدل رهبری CIP را مطرح می‌کنند. این مدل که متأثر از کار «وبر» است، بر اساس شکل‌های متفاوت معنابخشی، سه نوع رهبری کاریزماتیک^۱، ایدئولوژیک^۲ و پراگماتیک^۳ را مطرح می‌کند. هرکدام از این انواع رهبری از مدل ذهنی متفاوت و جهان‌بینی خاصی برخوردارند که بر تفسیر و واکنش رهبران از محیطشان تأثیر می‌گذارد و در نهایت نوع رفتار و عملکردشان را تعیین می‌کنند. بر اساس این مدل تفاوت‌های معناداری در مدل‌های ذهنی افراد وجود دارد؛ تفاوت‌هایی که می‌تواند برای پیش‌بینی رویکرد معنابخشی و رفتارهای مرتبط با آن استفاده شود (Hunter & Lovelace, 2020).

۱-۱. رهبری کاریزماتیک

مهم‌ترین ویژگی رویکرد معنابخشی کاریزماتیک تمرکز روی اهداف و احساسات مثبت و آینده است. رهبری کاریزماتیک، چشم‌اندازی عامه‌پسند از آینده را ارائه می‌دهد به طوری که عموم می‌توانند بر آن اساس هویت و هنجارهای گروهی خود را ایجاد و اجرا کنند (Lovelace et al., 2019). رهبران کاریزماتیک درصددند که مشکلات را از طریق اهداف گسترده و چندگانه با تمرکز بر امید و الهام بخشیدن به دیگران حل کنند. آنها در پی وسعت بخشیدن به پایگاه پیروان خود و تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های بزرگ در جهت گسترش نفوذ هستند. بر این اساس به جای پرداختن به علل، به اهداف می‌نگرند و بازیگران مختلف را بر اساس میزان کمکی

1. charismatic

2. Ideological

3. pragmatic

که می‌توانند به تحقق این اهداف کنند تعریف می‌کنند. این نوع رهبری از طریق اهداف، تأثیر و کنترل خود را حفظ می‌کند. برای ترغیب مردم برای حرکت به سمت هدف، آنها به از خودگذشتگی شخصی، الگوسازی و ارتباط تنگاتنگ با مردم متوسل می‌گردند. این رهبران، انسانها را از طریق اقداماتی که به دلایل مشخص یا مبهم انجام می‌دهند، به‌عنوان خالق سرنوشت خود و منبع علیت می‌بینند. علاوه بر این از رهبران کاریزماتیک انتظار می‌رود که از راه‌حل‌های خلاقانه و بالقوه بحث‌برانگیز دفاع کنند و نشان دهند که تمایل دارند از وضعیت موجود دور شوند. دارای شخصیتی امیدوارند و رویکرد تغییرمحورشان برای پیروانشان الهام‌بخش است.

۱-۲. رهبری ایدئولوژیک

معنابخشی ایدئولوژیک اغلب بر بازگشت به یک افتخار متمرکز است و چشم‌انداز رهبر برای آینده ریشه در نقاط مشترک ارجاعی و یک نگاه ایدئالی به گذشته دارد (Lovelace et al., 2019). به‌طور خاص رهبران ایدئولوژیک مشکلات را از طریق یک پیوستگی به سنت و تجارب ارزشمند مشترکی که با پیروان همفکر خود دارند شکل و معنا می‌دهند. این رویکرد اغلب از طریق احساسات منفی مانند خشم، چشم‌انداز خود را برقرار و هدایت می‌کند. شواهد زیادی وجود دارد که برای حفظ رویکرد معنابخشی خود، رهبران ایدئولوژیک دچار افراط می‌گردند و پتانسیل زیر پا گذاشتن اصول اخلاق را دارند و به‌طور کلی احتمال خشونت آنها بیشتر از رهبران غیر ایدئولوژیک است (Griffith et al., 2015; 12). علت، تحت کنترل مردم نیست؛ بلکه با نیروهای موقعیتی که برای تضعیف تلاش‌های فعلی برای تحقق «اهداف شناخته‌شده و ارزشمند» عمل می‌کنند، کنترل می‌شود. این قاب‌بندی منفی علیت به این معنی است که این رهبران درصدد برداشتن موانع تحقق اهداف و شرایط مطلوب هستند. راه غلبه بر این موانع نیز ایجاد یک ائتلاف فوق‌العاده‌ای است که نسبت به افراد موردنظر رهبری کاریزماتیک کوچک‌ترند، اما برای عمل به چشم‌اندازهای رهبری بسیار مشتاق‌اند و هیچ مخالفتی را نیز برنمی‌تابند.

۳-۱. رهبری پراگماتیک

رهبری پراگماتیک از نظر معنابخشی دارای رویکردی منطقی و حل مسئله‌ای است. این نوع رهبری به تمایل‌های عاطفی یا احساسی متکی نیست و از استدلال‌ها و تاکتیک‌های منطقی برای تحریک پیروان بهره می‌گیرد (Mumford & Van Doorn, 2001). این عقلانیت‌محوری منجر به تمایل به تغییر یک محیط و شرایط خاص با تمرکز بر روی چالش فعلی می‌گردد. برای آنها اهداف براساس تهدیدات عینی و فرصت‌هایی که در وضعیت فعلی وجود دارند تعیین می‌گردند و با تغییر شرایط و محیط می‌تواند تغییر کند. منبع علیت نیز هم به عوامل محیطی و هم به اراده مردم برمی‌گردد. این رهبران تمرکز خود را بر گروه‌های کوچکی از نخبگان تحصیل کرده و منسجم قرار می‌دهند که نسبت به گروه‌های بزرگ‌تری که رهبران کاریزماتیک و ایدئولوژیک در پی آن هستند، کمک بیشتری به رهبر برای حل مشکل می‌کنند (Griffith et al., 2018; 155). تحقیقات نشان داده است که عملکرد رهبران پراگماتیک چندان به زمینه و موقعیتی که در آن هستند بستگی ندارد، برخلاف رهبران کاریزماتیک یا ایدئولوژیک که عملکرد آنها بسته به موقعیت، متفاوت است. این شواهد نشان می‌دهد که رهبران پراگماتیک بهترین عملکرد برای حل مشکلات در شرایط پرمخاطره را دارند. آنها در کوتاه‌مدت عملکرد بهتری دارند، اما برای ایجاد چشم‌انداز برای آینده دچار مشکل هستند (Hunter & Lovelace, 2020).

درواقع مبنای مدل رهبری CIP بیان تفاوت‌های شناختی رهبران و شیوه‌های متفاوت آنها در جمع‌آوری اطلاعات، پردازش اطلاعات و معنابخشی است. این مدل در پی این است که در قالب این سه نوع رهبری، عوامل مختلفی را که بیانگر مدل‌های ذهنی رهبران برای تفسیرهای متفاوت از جهان، تصمیم‌گیری‌ها، تعیین اهداف و تعامل و تأثیرگذاری بر پیروان است را دریابد. براساس این رویکرد، چهار ویژگی مهم و تعیین‌کننده رهبران از نظر معنابخشی عبارتند از: ۱. استفاده از احساسات (اینکه آیا از شیوه‌های منطقی در رساندن اطلاعات به پیروان استفاده می‌گردد یا احساسی)؛ ۲. گروه موردنظر به عنوان منبع علیت (روی سخنش با

کیست و کدام بخش از جامعه را مخاطب قرار داده و انتظار تأثیرگذاری و ایجاد تغییر از طریق آنها را دارد؛ ۳. جهت گیری زمانی (اینکه رهبران در بیان علت بحران و راه‌حل‌ها تأکیدشان بر زمان گذشته است یا حال یا آینده) و ۴. نتایج و اهداف مدنظر (نوع اهدافی که دنبال می‌شود).

جدول ۱. ابعاد شناختی و ویژگی‌های رهبری‌های سه‌گانه مدل CIP

ماهیت اهداف	جهت‌گیری زمانی	منبع علیت و گروه موردنظر	استفاده از احساس
تغییر روبه جلو	آینده	مردم _ مردم	مثبت
تغییر روبه عقب	گذشته	موقعیت _ کادر اصلی	منفی
مشکلات پیش‌رو	حال	موقعیت و مردم - نخبگان	خنثی

۲. اقدامات کشورها در مقابل کرونا و نقش معنابخشی رهبران

این بخش با بررسی موردی عملکرد کشورهای هند، ایالات متحده آمریکا و آلمان در مقابل بحران همه‌گیری به ادعای اصلی این نوشته یعنی نشان دادن ارتباط مستقیم بین رفتار کشورها در مقابله با بحران کرونا و سبک‌های رهبری آنها می‌پردازد. با این هدف بر اساس شاخص‌های مطرح شده در جدول ۱، تلاش خواهد شد تا تأثیرات اشکال مختلف معنابخشی رهبران سیاسی در این کشورها مورد ارزیابی قرار گیرد. در پایان نیز در جدولی به مقایسه بین این رهبران از این حیث خواهیم پرداخت. مختصات رهبران را از نظر شاخص‌های معنابخشی که منجر به واکنش‌های متفاوت رهبران می‌گردد، می‌توان در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات رسمی آنها مشاهده کرد.

۲-۱. هندوستان

هند از ابتدا و حتی پیش از همه‌گیری وحشت جهانی از کرونا به‌صورت سخت‌گیرانه‌ای به اقداماتی جهت مقابله با ورود و کنترل این ویروس اقدام کرد و زودتر از بقیه کشورها محدودیت‌های شدیدی را برای ورود به کشور و مسافران خارجی (آزمایش و قرنطینه افراد مشکوک) اعمال نمود. زیرساخت‌های نسبتاً ضعیف بهداشتی و دسترسی نداشتن بخش بسیاری از جمعیت یک میلیارد و

سیصد میلیون این کشور به امکانات اولیه بهداشتی؛ حتی آب تمیز، دولت این کشور را واداشت تا در گام نخست از ورود و انتشار این ویروس جلوگیری نماید، اما این اقدامات در کنار تعطیلی سه هفته‌ای کشور و حتی توقف فعالیت قطارها پس از شناسایی نخستین مبتلایان نتوانست مانع از وقوع همه‌گیری در این کشور گردد.

هند به زودی از نظر میزان مبتلایان بر اساس آمار دانشگاه جان هاپکینز پس از ایالات متحده آمریکا و برزیل در رده سوم قرار گرفت. منتقدان، اقدامات دولت این کشور، به ویژه در مورد تعطیلی سه هفته‌ای کشور که هزینه اقتصادی زیادی به کشور وارد کرد را بی‌فایده و نمایشی دانسته‌اند (Singh, 2020). مخالفان دولت علاوه بر سوء مدیریت، به نخست‌وزیر این کشور اتهام زدند که از این بحران برای تمرکز بیشتر قدرت و اعمال تغییرات مدنظر خود برای ایجاد هند جدید استفاده کرده است. به‌طور مثال آنها به تلاش «مودی» برای اجبار رسانه‌ها به خودسانسوری و انتشار اخبار رسمی درباره این بیماری از طریق دیوان عالی اشاره می‌کنند. آنها بر این باورند که تا قبل از این بیماری، هند تحت رهبری مودی به سمت اقتدارگرایی پیش می‌رفت، این همه‌گیری به او فرصت داده تا با جلوگیری از اعتراضات و تجمعات در مخالفت با اصلاحات و تغییراتی که مدنظر دارد (مانند تغییر قانون شهروندی) بیش از پیش دموکراسی در این کشور را تضعیف نماید (Michael, 2020). در ادامه ویژگی‌های رهبری سیاسی «نارندرا مودی» بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. نارندرا مودی

بسیاری از نویسندگان نارندرا مودی را در کنار «ترامپ» و «بولسانارو» قرار داده و حکومت‌های آنها را راست افراطی می‌دانند (Löwy, 2019)، اما واکنش او در مقابل این بحران متفاوت از آنها بوده است. مودی برخلاف آنها در مراحل اولیه، شدت این بحران را تشخیص داد و حتی از تعطیلی کشور حمایت کرد و از همان ابتدا تاکنون، همواره مردم را به رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی تشویق کرده و می‌کند. ریشه این تفاوت را باید در معنابخشی برآمده از سبک رهبری او جست.

رهبری متفاوت او را به روشنی می‌توان در تأکید او بر ایجاد تغییر واقعی در مبارزات انتخاباتی‌اش و شعار او یعنی «روزهای خوب می‌آیند»، توییت او پس از پیروزی در انتخابات (هند پیروز شد) و نامه سرگشاده او خطاب به ملت یک ماه پس از به دست گرفتن قدرت مشاهده کرد (theguardian, 2014). در این نامه او ضمن اشاره به اینکه دولت‌ش برخلاف دولت‌های قبلی ماه عسلی نداشته است، مجدداً بر تعهدش به ارتقاء همه‌جانبه کشور در سال‌های پیش‌رو تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که شرط اعتمادبه‌نفس و موفقیت او و دولت‌ش در مبارزه با فساد؛ و ایجاد تغییرات بیان شده در شعارهای انتخاباتی‌اش، مردم و حمایت‌های آنهاست (Economicstimes, 2014). او همیشه ترجیح می‌دهد تا به‌طور مستقیم و بی‌واسطه با مردم سخن بگوید و از فعال‌ترین رهبران جهان در فضای مجازی است که ۶۱ میلیون فالوور در توییتر دارد و از طریق «گوگل هنگ اوت» به‌طور زنده با شهروندان ارتباط دارد.

از مهم‌ترین نشانه‌های نگاه درازمدت و مثبت او به آینده، جذب و به حرکت واداشتن اکثریت جمعیت این کشور برای ایجاد تغییرات مدنظر از طریق برانگیختن احساسات، ایده‌ای است که تحت عنوان «هند جدید» از آن یاد می‌کند. توضیحی که او از این هند موردنظر خود می‌دهد این‌گونه است: «هند در حال تغییر است و نیروی خود را از همه شهروندان هندی می‌گیرد. هندی که با نوآوری، خلاقیت و پشتکار هدایت می‌گردد؛ هندی که مشخصه آن صلح، اتحاد و برادری است؛ هندی بدون فساد، تروریسم، پول سیاه و فاسد. بیایید با همدیگر هند رؤیایمان را بسازیم» (Modi, 2020a). البته به اعتقاد منتقدانش، او تلاش دارد داستان هند را از یک دموکراسی سکولار با یک تنوع جمعیتی خاص به کشوری که در آن ملت هندو بر اقلیت‌ها به‌خصوص دویست میلیون نفر مسلمان مسلط است، تبدیل کند (Filkins, 2019).

در واکنش کشور هند به بحران کرونا نیز می‌توان این ویژگی‌ها را تا حد زیادی مشاهده کرد. برخی از طرفدارانش اقدامات مودی در این زمینه را به‌عنوان الگویی از قاطعیت برای سایر دموکراسی‌ها می‌دانند. به عقیده این افراد او با آگاهی

از مشکلات و فشار اقتصادی ناشی از این تصمیم (به خصوص برای قشرهای فقیر) و با کنار گذاشتن ملاحظات سیاسی با هدف جلوگیری از یک فاجعه گسترده تر، نشان داد که جسارت و فداکاری لازم را برای اخذ تصمیمات خطیر و حیاتی که از ویژگی های یک رهبری برجسته می باشد، داراست (Mishrah, 2020).

اگر ما روند موضع گیری های مودی را بررسی کنیم خواهیم دید علاوه بر اقدامات مقابله ای و امیدبخشی عمومی و تقاضای رعایت دستورالعمل های لازم، محتوای اصلی پیام های مودی بر چشم اندازهای او درباره آینده هند تأکید دارد و شامل اهدافی فراتر از شکست کرونا است. به عبارت دیگر، او در مقابله با این بیماری نیز با یادآوری آینده و چشم اندازی که برای هند متصور است سعی دارد مردم را به رعایت و مقاومت دعوت کند. برای مثال، در سخنرانی ماه می خود در تلویزیون، ضمن اینکه از مردم می خواهد تا ماسک بزنند و فاصله اجتماعی را رعایت کنند بیان می کند که کرونا برای مدت طولانی با ما خواهد بود؛ لذا نمی توانیم همه زندگی مان را متوقف آن کنیم (Gettleman & Kumar, 2020). او درجایی دیگر خاطر نشان می کند که «می تواند هر تعدادی از چالش وجود داشته باشد، اما تاریخ کشور ما نشان می دهد که هند می تواند همیشه بر آنها غلبه کند» و بر اینکه «تلاش های جمعی و مردمی در ایجاد تغییرات مثبت نقش تعیین کننده دارند» تأکید می نماید (Modi, 2020b). او در سخنرانی ۲۶ جولای خود نیز با مخاطب قرار دادن هندی ها و مخصوصاً جوانان می گوید «اگر بادید مثبت به تغییراتی که در کشور در حال اتفاق است نگاه کنیم، خودمان متحیر خواهیم شد... زمانی وجود داشت که در ورزش یا دیگر بخش ها بیشتر افراد مشهور از شهرهای بزرگ یا خانواده های معروف و مدارس و کالج های خوش نام بودند. حالا کشور در حال تغییر است. جوانان ما از روستاها و شهرهای کوچک و خانواده های معمولی پیش قدم هستند. قله های موفقیت در حال فتح شدن است. این افراد در وسط بحرانها، در حال پیش رفتن و به بار آوردن رؤیاهای جدید هستند» (Modi, 2020b). همچنین تلاش او برای بلند کردن پرچم جهانی مبارزه علیه این بیماری در حالی که در داخل به شدت با کمبود ظرفیت ها و زیرساخت ها مواجه است را

بایست در همین چهارچوب و بر اساس نقش جهانی و تعیین‌کننده‌ای که او در ذهن خود برای هند جدید در نظر دارد تحلیل کرد. او اولین رهبری بود که خواستار اتحاد همه کشورهای در این زمینه شد و ابتکار کنفرانس ویدیویی رهبران «سارک» را پیشنهاد داد. طراح انجام کنفرانس ویدیویی رهبران گروه G20 نیز او بود (Kugelman, 2020).

۲-۲. آمریکا

نحوه واکنش ایالات متحده آمریکا در مقابل همه‌گیری کرونا با وجود برخورداری از ظرفیت و زیرساخت‌های چشمگیر این کشور به‌نوبه خود بسیار سؤال‌برانگیز است. شمار مبتلایان و تلفات این کشور در ماه می ۲۰۲۰ بالاتر از همه کشورهای قرار گرفت (WHO, 2020). این وضعیت نامناسب را نمی‌توان صرفاً به سیستم بهداشتی این کشور نسبت داد. دلیل اصلی این امر را بایست در نحوه مدیریت و مقابله دولت فدرال با این وضعیت و پیامدهای آن جست. برای مثال دولت ترامپ در ماه آوریل اعلام می‌کند که مسئول اصلی مقاله با این بحران ایالت‌ها هستند و دولت فدرال صرفاً نقش حمایتی خواهد داشت (Yen H, 2020). این در حالی است که بر اساس تجربه تاریخی آمریکا در شرایط بحران این دولت فدرال است که به‌عنوان متولی اصلی امور را در اختیار می‌گیرد. این امر منجر به آشفتگی و ناهماهنگی‌های بسیاری بین ایالت‌ها و حتی شهرهای یک ایالت شد (KFF, 2020). محور اصلی این شکاف نیز تقابل حزبی است که در آن به‌طور معمول جمهوری‌خواهان درصدد نادیده‌گیری و سهل‌گیری این بیماری هستند، اما طرفداران حزب دموکرات قائل به برخورد قاطع‌تر و تعطیلی بیشتر برای مقابله با این بحران هستند. مجموعه این شرایط منجر به عدم پاسخی منسجم و کارآمد به بحرانی شد که با بی‌توجهی به این مرزبندی‌ها و شکاف‌ها در حال پیشروی است. دلیل اصلی اینکه دولت آمریکا نه‌تنها حمایت چندانی از اجرای دستورالعمل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی به عمل نمی‌آورد، در نهان و آشکار در پی عادی شدن شرایط و بازگشایی کامل کشور است را می‌توان به نوع رهبری دولت توسط ترامپ نسبت داد. در ادامه به توضیح این امر خواهیم پرداخت.

۲-۱. دونالد ترامپ

ترامپ در سال ۱۹۹۷ کتابی می‌نویسد با عنوان «هنر بازگشتن» که روایت ورشکست شدن او و دوباره بازگشتن و موفقیت او در حوزه تجارت است. پیروزی او در انتخابات ۲۰۱۶ نیز در واقع پیروزی این خواست او برای کشورش بود. او با شعار «آمریکا را دوباره باعظمت کنیم» و تأکید بر اینکه به افول این کشور پایان خواهد داد و شکوه گذشته آن را احیا خواهد کرد، توانست پیروز انتخابات شود.

ترامپ مبارزه برای تغییر را از همان حزب خود شروع کرد. بی‌اعتنایی او به بزرگان حزبی و نظرات آنها برای اکثریت رأی‌دهندگان، اثبات‌کننده مستقل بودن و درستی ادعای او برای ایجاد تغییرات واقعی و عمیق بود. روی سخن او بخش خاصی از جامعه آمریکا یعنی کسانی است که وضعیت نامطلوب خود و آمریکا را ناشی از سیاست‌های نادرست داخلی و بین‌المللی و فساد و ناکارآمدی سیاست‌مداران و رویه‌های حاکم بر کشور، مهاجران، چین و مسائلی از این دست می‌دانند. آقای ترامپ در نطق تحلیف خود قول داد که صدای این افراد یا به تعبیر او «مردم فراموش شده» باشد که سیاست‌مداران واشنگتن آنها را نادیده گرفته‌اند. او گفت امروز «روزی است که مردم دوباره حاکم این کشور می‌شوند. من با هر نفسی که در وجودم باقی مانده برای شما خواهم جنگید و هرگز شما را مأیوس نخواهم کرد. آمریکا دوباره برنده خواهد بود. ما اشتغال را برمی‌گردانیم، مرزهایمان را پس می‌گیرم، سرمایه‌مان را پس می‌گیریم و رؤیاهایمان را پس می‌گیریم» (Trump, 2017). او پس از پیروزی نیز اولویت‌های خود را مسائلی مانند انرژی، اشتغال و رشد، سیاست خارجی، ارتش و موافقت‌نامه‌های تجاری معرفی می‌کند و به مسائلی مانند حقوق مدنی، حقوق هم‌جنس‌گراها و ترانزجسیتی‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و تغییرات آب‌وهوایی اهمیتی نمی‌دهد. اینها خوشایند صرفاً بخشی از جامعه آمریکا و حتی بخش کوچک‌تری از طرفداران حزب جمهوری خواه است.

اعتماد به‌غریزه و احساس را نیز می‌توان به‌وضوح در کارزار انتخاباتی ۲۰۱۶

وی مشاهده کرد. همان‌طور که یکی از نویسندگان در این زمینه می‌نویسد «ترامپ نظرسنجی‌ها را نادیده می‌گرفت. به ایالت‌هایی می‌رفت که کارکشته‌های انتخاباتی می‌گفتند هرگز نمی‌برد و ... در یک‌کلام دونالد ترامپ کل دانش برآمده از سال‌ها کار انتخاباتی متخصصان را نادیده گرفت و گاه دقیقاً عکس آن عمل کرد» (Zurcher, 2016). لحن منفی و عصبانی او نیز به‌وضوح در برنامه‌ها و سیاست‌هایش در موارد گوناگون مانند مهاجران، کشیدن دیوار مرزی، مذاکره مجدد و خروج از قراردادهای مختلف بین‌المللی قابل مشاهده است. یکی دیگر از مشخصه‌های رهبری ترامپ انتظار سرسپردگی کامل همه اطرافیان از برنامه‌های مدنظر او و برنتابیدن هیچ‌گونه مخالفتی در این زمینه است. تعداد زیاد وزرا و مشاورانی که تاکنون از دولت او خارج شده‌اند به‌خوبی نشانگر این موضوع است.

نشانه‌های معنابخشی خاص رهبری وی به‌طور مشخص در واکنش او نسبت به بحران کرونا نیز قابل مشاهده است. او تا مدت‌ها اهمیت و خطرناک بودن همه‌گیری ناشی از بیماری کرونا را با این ادعا که این، فریب جدیدی از جانب مخالفان برای تخریب سیاسی و دستاوردهای اقتصادی اوست انکار کرد (Lauht, 2020). به تدریج با اعلام رسمی موارد مثبت در این کشور و اعلام تلفات آن، ترامپ با مقایسه آن با بیماری آنفلوآنزا و تلفات ناشی از آن سعی در عادی جلوه دادن اوضاع کرد (Lahit, 2020)، یا با چینی خواندن این ویروس به سرزنش این کشور بابت سهل‌انگاری در مهار آن می‌پرداخت و خواستار گرفتن غرامت از این کشور شد. بی‌توجهی ترامپ به توصیه‌های علمی متخصصان و درگیری و اتهامات متقابل او با متخصصانی مانند «آنتونی فائوچی» که تبدیل به سوژه رسانه‌ها شد (Dowd, 2020) یا معرفی خودسرانه برخی از داروها برای مبتلایان به کرونا، ادعای اینکه در ۹۹ درصد موارد ابتلا به کرونا خطرناک نیست، اعلام تاریخ نزدیک و دقیق برای ساختن واکسن و برگزاری مراسم دعا (King, 2020)، نشانه‌هایی از رویکردی در مقابل با این بیماری است که اعتقاد چندانی به عقلانیت معمول و مورد انتظار برای رهبری بحران در آن مشاهده نمی‌شود.

در تأکید ترامپ بر بازگشایی‌ها و مخالفت با تعطیلی‌ها نیز به‌نوعی دیگر

ویژگی‌های رهبری او را می‌توان یافت که معتقد بود «با بستن کشور شما می‌توانید آن را نابود کنید. ما بهترین اقتصاد کشور را تا سه هفته پیش داشتیم و الان باید به مردم پول بدهیم درحالی‌که سر کار نمی‌روند... برای کشور خیلی مهم است که به کار برگردیم. ما نمی‌توانیم مزیت‌های خود را (در زمینه اقتصادی) از دست بدهیم... درمان نباید مهلک‌تر از خود بیماری باشد» (Rucker, 2020). او همچنین طی یک‌رشته توییت که طی آن خواستار «آزاد» شدن ویرجینیا، میشیگان و مینه‌سوتا (سه ایالت این کشور که فرمانداران دموکرات دارند)، شده بود، باعث گشت تا طرفداران او در این ایالت‌ها و تعدادی ایالت دیگر به خیابان بیایند (Maqbool, 2020). لحن منفی او در این زمینه نیز به وضوح در پاسخ او به انتقادات درباره میزان بالای تلفات در آمریکا مشخص است که می‌گوید «...آنها دارند می‌میرند. درست است. همینی است که هست» (Cole, 2020).

تنها چیزی که باعث شد در نهایت ترامپ اندکی از موضع قبلی خود در مقابل کرونا فاصله بگیرد و در ظاهر از مردم بخواهد ماسک بزنند و دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت بکنند، نگرانی و ترس او از عقب افتادن از بایدن در نظرسنجی‌ها در اثر افزایش انتقادات از عملکرد او در زمینه مقابله با این بحران و تلاش برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو بود.

۲-۳. آلمان

دولت آلمان در مجموع یکی از بهترین عملکردها در مهار این ویروس و پیامدهای آن در بین کشورهای مختلف را از خود نشان داده است. علاوه بر موقعیت استثنایی این کشور از نظر کنترل روند بیماری از دیگر پیامدهای مخرب آن نیز تا حد زیادی مصون مانده است. برای مثال، با وجود کوچک شدن ۱۰,۱ درصدی اقتصاد این کشور در شش ماهه گذشته از وقوع بیکاری چشمگیر، جلوگیری شده و نرخ بیکاری کشور روی ۶,۴ درصد حفظ شده است و حتی توانسته روند بهبودی را آغاز کند (Laurenz, 2020). از این رو بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده اکثریت آلمانی‌ها از عملکرد دولت این کشور و به‌طور خاص شخص صدراعظم رضایت کامل دارند (DW, 2020b). این عملکرد مناسب، منطقی و حساب‌شده

موجب شده در بین مردم سطح اعتماد و تأیید «آنگلا مرکل» در اواخر صدارتش افزایش یابد و ستایش بسیاری از کارشناسان در سطح جهان را نیز برانگیزد. برخی از ویژگی‌های رهبری سیاسی او که منجر به این اتفاق شده است در ادامه تشریح خواهد شد.

۲-۳-۱. آنگلا مرکل

مرکل از قبل شایستگی‌های خود در مدیریت چالش‌های دیگری را به‌خوبی نشان داده بود، اما هیچ‌کدام به‌اندازه این بحران اخیر نتوانسته ارزش واقعی رهبری او را این‌گونه به‌خوبی نشان دهد. شیوه تجربی و رویکرد محتاطانه او در حل مسائل، بر پیشرفت‌های تدریجی و قابل دفاع و قدم‌های کوچک مبتنی بوده و مخالف تغییرات بزرگ و بالقوه خطرناک است (Scalley, 2015). رفتار و رویه و سیاست‌ورزی او ضمن اینکه به‌طورکلی بر رویکرد عقلانی منطبق است، زمانی هم که احساسات را به‌کار می‌گیرد صرفاً از یک خوش‌بینی محتاطانه فراتر نمی‌رود. برای نمونه در مورد بحران پناهنده‌ها در سال ۲۰۱۶ به آلمانی‌ها اطمینان می‌دهد که «ما می‌توانیم این (مشکل) را مدیریت کنیم» (Scalley, 2018)، یعنی ضمن در پیش گرفتن چشم‌اندازی بشردوستانه، می‌کوشد تا از گزافه‌گویی و بالا بردن انتظارات بپرهیزد.

واکنش او نسبت به این بیماری نیز، همانند دیگر موارد دوران رهبری‌اش، منطبق با معنابخشی همیشگی او و بهره‌گیری از عقلانیت و شواهد علمی است. او به‌موقع با شناخت دقیق بحران، جدیت موضوع را با توجه به پشتوانه علمی خود و مشورت با متخصصان این حوزه درک کرده و در سخنرانی‌های خود با مردم کشور این موضوع را با آنها در جریان گذاشته و از آنها می‌خواهد که با تدبیر و تعقل عمل کنند تا سرعت شیوع بیماری کُند شود. او در اولین سخنرانی خود خاطر نشان کرد که او به‌عنوان کسی که در آلمان شرقی کمونیستی سابق بزرگ شده است درک می‌کند که محدود شدن آزادی‌ها چه اندازه سخت است، اما به‌عنوان یک دانشمند توصیه کرد که واقعیت‌ها دروغ نمی‌گویند. او ضمن تحسین همراهی و مشارکت مردم برای عبور از این بحران خاطر نشان می‌کند که «در دوره صدارتم

هیچ تصمیمی برای من دشوارتر از محدودسازی آزادی‌های فردی نبوده است» (DW, 2020a). روزنامه مشهور «زود دویچه سایتونگ» نوشت: «مرکل بزرگ‌ترین چالش بعد از جنگ جهانی دوم را به تصویر کشید، اما از جنگ صحبت نکرد.» این روزنامه در توصیف مرکل افزوده است: «او نه به کلمات یا ژست‌های رزمی، بلکه به خرد و منطق مردم اتکا کرد» (Rising, 2020).

او سعی کرده از اظهارات بالقوه احساسی در این باره خودداری کند. برای مثال در نشست خبری در مورد کاهش میزان مبتلایان این بیماری توضیح می‌دهد که «... این امر یک امیدواری بسیار محتاطانه‌ای را به ما می‌دهد. بسیار زود است که روند قطعی در این باره را به رسمیت بشناسیم و بسیار زود است تا شروع به برداشتن قوانین سخت‌گیرانه‌ای بکنیم که ما به خودمان تحمیل کرده‌ایم» (DW, 2020a). همچنین در ۲۳ آوریل خاطر نشان می‌کند که «اما به طور دقیق‌تر به خاطر اینکه تعداد (پایین مبتلایان) باعث ایجاد امیدواری‌هایی می‌گردد، من خودم را ملزم می‌دانم بگویم نتیجه‌ای که الان به دست آمده شکننده است. ما بر روی یخ نازک قدم می‌زنیم، شما می‌توانید بگویید نازک‌ترین یخ‌ها» (Merkel, 2020). این گره زدن امید به لزوم حفظ هشیاری و احتیاط مداوم، بیانگر پراگماتیک بودن اوست. به طور خاص هنگامی که او این بیماری و چالش ناشی از آن را با جنگ دوم جهانی مقایسه می‌کند مخاطبش بیشتر عقل مردم آلمان بوده است تا احساس آنها (News Wires, 2020).

علاوه بر این، او همچنان به شدت بر زمان حال متمرکز است و از حدس و گمان در مورد بازگشت به حالت عادی یا جنبه‌های آینده خودداری می‌کند. به عنوان مثال، مرکل از تعیین تاریخی که بازگشایی‌ها انجام خواهد شد خودداری کرد و خاطر نشان کرد که این امر غیرمسئولانه است؛ زیرا «از نظر پزشکی، اقتصادی و اجتماعی از چاله به چاه خواهیم افتاد» (DW, 2020c). یکی از مشخصه‌های بارز او در پاسخ به این بحران توانایی و تمایل او در حمایت از تصمیمات از طریق مدارک و شواهد است. به عنوان مثال او در کنفرانس خبری آوریل که در سطح جهان بسیار مورد توجه قرار گرفت، منطق پشت اقدامات پیشگیرانه این کشور را

به صورت مختصر و با استفاده از اصطلاحات علمی توضیح می‌دهد (Oltermann, 2020). دیگر ویژگی رویکرد معنابخشی مرکل حمایت وی از درس گرفتن از تجارب موفق و ناموفق دیگر کشورها برای گنجاندن در برنامه‌های آینده این کشور است (Rising, 2020). با توجه به اقدامات سریع و سرنوشت‌سازی که جهت دستیابی به اهداف مشخص در زمینه آزمایش‌های گسترده و زودهنگام و بودجه برای کمک به اقتصاد انجام شده است، رویکرد مرکل در مقابل این همه‌گیری به‌عنوان یک نمونه موفق، به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است.

در پایان این بخش، براساس جدول ۱ و با استناد به برخی از اظهارنظرها و عملکردهای این رهبران، در جدول ۲ به مقایسه سبک رهبری آنها پرداخته ایم. همانطور که در جدول نیز مشخص شده است سبک رهبری مودی، ترامپ و مرکل به ترتیب به کاریزماتیک، ایدئولوژیک و پراگماتیک نزدیک تر است.

جدول ۲. مقایسه رهبری مودی، ترامپ و مرکل از نظر شاخص‌های معنابخشی بر اساس مدل CIP

ماهیت اهداف	جهت‌گیری زمانی	منبع علیت و گروه موردنظر	استفاده از احساس
نارندرا مودی: رهبری کاریزماتیک	«افراد در وسط بحران (کرونا)، در حال پیش رفتن و به‌بار آوردن رؤیاهای جدید هستند» (آینده)	از دید مودی تلاش‌های جمعی و مردمی در ایجاد تغییرات مثبت نقش تعیین‌کننده دارند (مردم _ مردم)	«می‌تواند هر تعدادی از چالش وجود داشته باشد، اما تاریخ نشان می‌دهد که هند می‌تواند همیشه بر آنها غلبه کند» (مثبت)
دونالد ترامپ: رهبری ایدئولوژیک	«برای کشور خیلی مهم است که به کار برگردیم. ما نمی‌توانیم مزیت‌های خود را (در زمینه اقتصادی) از دست بدهیم». (گذشته)	اشاره مکرر ترامپ به چینی بودن این ویروس و بزرگ‌نمایی این بیماری توسط دموکرات‌ها و خواستن از طرفدارانش برای تن ندادن به محدودیت‌های اعمالی در این زمینه. (موقعیت - کادر)	«آنها دارند می‌میرند. درست است. همین است که هست». (منفی)
انگلا مرکل: رهبری پراگماتیک	«من خودم را ملزم می‌دانم بگویم که نتیجه‌ای که اکنون به‌دست آمده شکننده است. ما بر روی یخ نازک قدم می‌زنیم، شما می‌توانید بگویید نازک‌ترین یخ‌ها» (حال)	قدردانی مرکل از مردم به دلیل همراهی داوطلبانه جهت مهار وضعیت موجود و هم تأکید بر لزوم اعمال محدودیت‌های مختلف با مشورت متخصصان و نخبگان حوزه‌های مختلف نشان‌دهنده اعتقاد او به نقش مردم و موقعیت به‌عنوان منبع علیت و نخبگان به‌عنوان نیروی تعیین‌کننده در این عرصه است.	«این امر یک امیدواری بسیار مخاطبان‌های را به ما می‌دهد. بسیار زود است که روند قطعی در این باره را به رسمیت بشناسیم و بسیار زود است تا شروع به برداشتن قوانین سخت‌گیرانه‌ای بکنیم که ما به خودمان تحمیل کرده‌ایم» (خنثی)

نتیجه گیری

با وجود اهمیت عوامل دیگر مانند شکل و ساختار حکومت، فرهنگ و ظرفیت دولت‌ها؛ در شرایط بحرانی عامل تعیین کننده و دلیل تفاوت در واکنش و نحوه اقدام کشورها، رهبری سیاسی و شیوه معنابخشی آن است. در این شرایط عامه مردم انتظار دارند که رهبری کشور با واکنش‌های به موقع و خردمندانه، ضمن شناخت بحران و ابعاد آن، مردم را نیز در جریان دقیق اتفاقات قرار دهد تا کمترین آسیب را از این شرایط متحمل گردند. در مجموع اهمیت عملکرد رهبران در مقابله با بحران به حدی است که می‌توان آن را تفاوت بین مرگ و زندگی دانست. رهبران معمولاً به دلیل فرایندهای شناختی متفاوت به شیوه‌های مختلف اقدام به معنابخشی می‌کنند. بر اساس مدل CIP، رهبران از این حیث معمولاً در یکی از سبک‌های کاریزماتیک، ایدئولوژیک و پراگماتیک قرار می‌گیرند.

همان‌طور که در این پژوهش و در بررسی سه کشور مشاهده شد از بین این سه سبک، موفق‌ترین شیوه معنابخشی در این زمینه رهبری پراگماتیک است. مرکل با پاسخی به موقع و علمی و با آگاه ساختن مردم کشورش از جدی بودن این بیماری به استقبال این بحران رفت. نتایج اقدامات او در همه حوزه‌ها تاکنون رضایت‌بخش بوده است. مرکل هم ترس از گذشته (اشاره او به خاطره محدودیت‌های آزادی در دوره آلمان شرقی برای تصدیق درک ناخوشایند بودن محدودیت‌هایی که دولت ایجاد کرده و مردم آلمان با آن درگیرند) دارد و هم آینده را مبهم می‌بیند (به‌رغم موفقیت‌هایی در کنترل بیماری هیچ وعده مشخصی به بازگشایی نمی‌دهد) و کماکان بر رعایت دقیق و کامل دستورالعمل‌ها تا رسیدن به نقطه مطمئن تأکید می‌کند؛ بنابراین بایست گفت که آلمان بسیار خوش‌شانس بوده است که این بزرگ‌ترین چالش جهان بعد از جنگ جهانی دوم را پس از نزدیک به پانزده سال حکمرانی او و در دوره صدارت او تجربه می‌کند.

دو نوع دیگر از رهبری سیاسی، یعنی رهبری کاریزماتیک و ایدئولوژیک، به دلیل نوع معنابخشی خاص خود و به دلیل نوع نگاه و زمان و اهدافی که برایشان مهم است، از توان و تمرکز لازم برای پرداخت دقیق به این بحران و تدوین

راهکارهای لازم برای مقابله با آن ناتوان هستند و در بهترین حالت بحران را در چهارچوب دیگر دغدغه‌های کلان خود تعریف می‌کنند و سعی می‌کنند با توسل به دیگر اهداف، بحران را معنی کنند و یا معنای خود را به بحران بار کنند. به عبارت دیگر از درک واقعیت بحران بازمی‌مانند؛ بنابراین از انجام اقدام مؤثر برای مقابله با آن نیز عاجزند. برای مثال، مودی در هند به جای برخورد واقع‌گرایانه و منطقی و مبتنی بر ظرفیت‌های کشورش، تلاش دارد تا با تبلیغ اهمیتِ تغییری که در کشور به وسیله و همراهی مردم در حال وقوع است و با تأکید بر وعده‌های جدید و به‌کارگیری احساسات مثبت، مردم را تشویق به مقابله با این بحران بکند. به عبارت دیگر به جای اقدام عملی صرفاً در حال موعظه کردن مردم است. او در شرایطی که کشورش از نظر زیرساخت‌های بهداشتی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد و با روند افزایشی همه‌گیری بیماری نیز روبه‌رو است، در اقدامی نمایشی سعی می‌کند عَلم مبارزه جهانی با این بیماری را نیز بر دوش بگیرد. ترامپ نیز تا آنجا که می‌توانست از پذیرش جدیت و ابعاد این بیماری خودداری کرد. او به هر اقدام دیگری از ناچیزشماری و شبیه دانستن آن به آنفولانزا گرفته تا برگزاری مراسم دعا و فریب سیاسی خواندن این بیماری متوسل شد، اما از واکنش‌های قاطع و به موقع به آن خودداری کرد. او با اشاره به منشأ چینی این ویروس و بزرگ‌نمایی این بیماری توسط دموکرات‌ها، در واقع به جای مقابله با این همه‌گیری، در حال مبارزه با مخالفان (خارجی و داخلی) تغییر و کسانی است که مخالف بازگشت به وضعیت طلایی قبل هستند و سعی دارد احساسات منفی طرفداران خود را علیه این دشمنان برانگیزد.

References

- Boin, A., Stern, E., & Sundelius, B. (2016). *The politics of crisis management: Public leadership under pressure*. Cambridge University Press.
- Cole, Devan and Subramaniam, Tara (2020). Trump on Covid death toll: 'It is what it is', at: <https://edition.cnn.com/2020/08/04/politics/trump-covid-death-toll-is-what-it-is/index.html>
- Dowd, Maureen (2020). The Doctor Versus the Denier, at: <https://www.nytimes.com/2020/07/18/opinion/sunday/fauci-trump-coronavirus.html>
- DW (2020a). Angela Merkel sees 'bit of hope', but keeps coronavirus lockdown in place. <https://www.dw.com/en/angela-merkel-sees-bit-of-hope-but-keeps-coronavirus-lockdown-in-place/a-53010223>.
- DW (2020b). Angela Merkel's approval ratings up amid health crisis, at: <https://www.dw.com/en/coronavirus-angela-merkels-approval-ratings-up-amid-health-crisis/a-53001405>.
- Filkins, D. (2019). Blood and Soil in Narendra Modi's India. *The New Yorker*, 2., at: <https://www.newyorker.com/magazine/2019/12/09/blood-and-soil-in-narendra-modis-india>
- Gettleman, J., & Kumar, H. (2020). Modi announces \$260 billion coronavirus rescue package for India. *The New York Times*, 12. at: <https://www.nytimes.com/2020/05/12/world/asia/virus-india-rescue-package.html>
- Griffith, J. A., Gibson, C., Medeiros, K., MacDougall, A., Hardy III, J., & Mumford, M. D. (2018). Are you thinking what I'm thinking?: The influence of leader style, distance, and leader–follower mental model congruence on creative performance. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 25(2), 153-170.
- Griffith, J. A., Connelly, S., Thiel, C., & Johnson, G. (2015). How outstanding leaders lead with affect: An examination of charismatic, ideological, and

- pragmatic leaders. *The Leadership Quarterly*, 26(4), 502 – 517. DOI: 10.1016/j.leaqua.2015.03.004.
- Hunter, S. T., & Lovelace, J. B. (Eds.). (2020). Extending the charismatic, ideological, and pragmatic approach to leadership: Multiple pathways to success. Routledge.
- Hunter, S. T., Cushenbery, L., Thoroughgood, C., Johnson, J. E., & Ligon, G. S. (2011). First and ten leadership: A historiometric investigation of the CIP leadership model. *The Leadership Quarterly*, 22(1), 70-91.
- KFF(2020), State actions to mitigate the spread of covid-19. At: <https://www.kff.org/other/state-indicator/state-actions-to-mitigate-the-spread-of-covid-19/>
- King, Daniel (2020). A National Day of Prayer During a Mishandled Pandemic Is a National Day of Distraction, at: <https://www.motherjones.com/coronavirus-updates/2020/03/a-national-day-of-prayer-during-a-mishandled-pandemic-is-a-national-day-of-distraction/>
- Van Knippenberg, D., & Sitkin, S. B. (2013). A critical assessment of charismatic—transformational leadership research: Back to the drawing board?. *Academy of Management Annals*, 7(1), 1-60.
- Lahit, Jake (2020). Trump puts Pence in charge of coronavirus response in meandering press conference, at: <https://www.businessinsider.com.au/trump-wings-press-conference-on-coronavirus-puts-pence-in-charge-2020-2>
- Lauht, Jake (2020). 5 times Trump and US officials downplayed coronavirus as the administration struggled to prepare for the growing pandemic, at: <https://www.businessinsider.com.au/five-times-the-trump-administration-downplayed-the-coronavirus-2020-3?r=US&IR=T>
- Laurenz, Gehrke (2020). German economy shrinks by record 10.1 percent in second quarter, at: <https://www.politico.eu/article/german-economy-shrinks-by-record-10-1-percent/>
- Lovelace, J. B., Neely, B. H., Allen, J. B., & Hunter, S. T. (2019). Charismatic, ideological, & pragmatic (CIP) model of leadership: A critical review and agenda for future research. *The Leadership Quarterly*, 30(1), 96-110.
- Maitlis, S., & Lawrence, T. B. (2007). Triggers and enablers of sensegiving in organizations. *Academy of management Journal*, 50(1), 57-84.

- Maqbool, A. (2020). Coronavirus: the US resistance to a continued lockdown. *BBC News*, 27., at: <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-52417610>
- Merkel, A. (2020). Angela Merkel: We are walking on thin ice. <https://www.lengoo.de/blog/angela-merkel-we-are-walking-on-thin-ice/>.
- Mishrah, Abhishek(2020), PM Modi has shown decisive leadership in fight against coronavirus: BJP youth leader, at: <https://theprint.in/opinion/pm-modi-has-shown-decisive-leadership-in-fight-against-coronavirus-bjp-youth-leader/395654/>
- Modi, naranda(2020a), new india, at: <https://www.narendramodi.in/newindia/index>
- Modi, naranda(2020b), twitter, at: <https://twitter.com/narendramodi/status/1281800944733188096>
- Modi, naranda(2020c), twitter, at: <https://twitter.com/airnewsalerts/status/1287265184692699136>
- Mumford, M. D. (2006). Pathways to outstanding leadership: A comparative analysis of charismatic, ideological, and pragmatic leaders. Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Mumford, M. D., Antes, A. L., Caughron, J. J., & Friedrich, T. L. (2008). Charismatic, ideological, and pragmatic leadership: Multi-level influences on emergence and performance. *The Leadership Quarterly*, 19(2), 144-160.
- Mumford, M. D., & Van Doorn, J. R. (2001). The leadership of pragmatism: Reconsidering Franklin in the age of charisma. *The Leadership Quarterly*, 12(3), 279-309.
- News Wires. (2020). Merkel shines in handling of Germany's coronavirus crisis. *France24.com*. Retrieved May 6, 2020 from <https://www.france24.com/en/20200329-merkel-shines-in-handling-of-germany-s-coronavirus-crisis>
- Nye Jr, J. (2008). *The powers to lead*. Oxford University Press.
- Oltermann, P. (2020). Angela Merkel draws on science background in Covid-19 explainer. *The Guardian*. from <https://www.theguardian.com/world/2020/apr/16/angela-merkel-draws-on-science-background-in-covid-19-explainer-lockdown-exit>.
- Rising, D. (2020). Germany praised for handling of COVID-19. *Yahoo! News*.

Retrieved May 4, 2020 from <https://news.yahoo.com/germany-praised-handling-covid-19-044913509.html>

Rucker ,Philip, Jeff Stein, Josh Dawsey and Ashley Parker(2020), Trump says he may soon push businesses to reopen, defying the advice of coronavirus experts, at: https://www.washingtonpost.com/politics/trump-says-he-may-soon-lift-restrictions-to-reopen-businesses-defying-the-advice-of-coronavirus-experts/2020/03/23/f2c7f424-6d14-11ea-a3ec-70d7479d83f0_story.html

Greer, S. L., King, E. J., da Fonseca, E. M., & Peralta-Santos, A. (2020). The comparative politics of COVID-19: The need to understand government responses. *Global public health*, 15(9), 1413-1416.

Singh, Avtar(2020) Leaders Can't Lift Lockdowns Without Public Trust, at: <https://foreignpolicy.com/2020/05/31/leaders-cant-lift-lockdowns-without-public-trust/>

Theguardian(2014), Indian election result: 2014 is Modi's year as BJP secures victory, at: <https://www.theguardian.com/world/2014/may/16/india-election-2014-results-live>

Trump(2017), Full text of new president's speech, at: <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-38697653>

Zurcher, Anthony(2016), Five reasons Donald Trump won, at: <https://www.bbc.com/news/election-us-2016-37918303>.

WHO(2020), Coronavirus disease (COVID-19) Situation Report – 205, at: https://www.who.int/docs/default-source/coronaviruse/situation-reports/20200531-covid-19-sitrep-132.pdf?sfvrsn=d9c2eaf_2

Yen H, Woodward C.(2020) AP fact check: Trump, 'wartime' pandemic leader or 'backup'?at: <https://apnews.com/a64cf7fd5095d4d3b002dc4830e32119>